

Nihlah Gharavi Nayini*

نهله غروی نائینی*

Abstract:

In the Shiite opinion the Prophet's family (Ahlul-Beyt) and the immaculate Imams (a.s) – According to the hadith of Vilayat and hadith of Saghalayn and frequent speech the Prophet and Hadith of Manzalat which is about Ali Ibn AbiTaleb (a.s) – are immediate successors of the Messenger of God (PBUH), which have two endowed: divine knowledge and infallibility and after the Messenger of God (PBUH) their speech and act are agument and complement and supplement of holy Quran because they are conversant of Quran's appearance and backend and they get their knowledge from Allah and the Messenger of Allah. After obit of the Messenger of God according to speech of many erudite of Sunnis was prevent from quote and writing many of the sayings of the Prophetit result was forgotten some of hadises; whilst with counterfeiting and their vogue, admix the right and wrong and judge of those from each other become very difficult. Till Imam Ali ibn Al-Hussein during his life with separation of the involvement of Khilafat's system and disputes and uprisings, have an opportunity to furbish the correct Hadithes and forgotten speech of Prophet (PBUH) and in the form of prayers, invited the Muslim community which has been diverted to the divine unity and Mohammad's limpud Islamand also for about thirty years of Imam training believer and principled peopleand hereto issue the Hadithes of Messenger of Allah in community. This article introduces the scientific life of the Prophet and remnant that he left and about ۱۷۰ of his student and Imam's sahabiwhom named Hammam, claiming that his era is prosperity era of Hadith.

Keywords: Hadith, Imam Sajjad's life, Imam zeinolabedin, Ali bin Al-Hussein.

چکیده:

به عقیده شیعه، اهل بیت پیامبر و امامان معصوم (ع) - طبق حدیث ولایت و حدیث ثقلین و گفتار مکرر پیامبر و حدیث منزلت درباره علی بن ابی طالب (ع) - جانشینان بلافصل رسول خدا هستند که از دو موهبت علم الهی و عصمت برخوردارند و پس از رسول الله قول و فعل آنها حجت و متمم و مکمل قرآن کریم است؛ زیرا به ظاهر و باطن آن آگاهانند و علم خود را از جانب خداوند و رسول الله گرفته‌اند. پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) طبق گفته بسیاری از دانشمندان اهل تسنن، از نقل و نوشتن بسیاری از احادیث آن حضرت جلوگیری به عمل آمد و در نتیجه برخی احادیث به فراموشی سپرده شد؛ ضمن آنکه با جعل احادیث و رواج آنها، درست و نادرست خلط و تشخیص آنها از یکدیگر بسیار مشکل شد. تا آنکه امام علی بن الحسین در دوره حیاتشان، با جدایی از درگیری‌های دستگاه خلافت و اختلافات و قیام‌ها، فرصتی یافتند تا احادیث درست و گفته‌های فراموش شده رسول الله را تجدید نمایند و در قالب ادعیه، جامعه منحرف شده مسلمانان را به توحید الهی و اسلام ناب محمدی دعوت نمایند. همچنین در مدت حدود سی سال امامت، به تربیت انسان‌های باایمان و پاینده نائل آیند و بدین وسیله احادیث رسول الله را در جامعه رواج دهند. این مقاله با معرفی حیات علمی آن حضرت و آثار به جا مانده و حدود ۱۷۰ شاگرد و صحابی آن امام همام، مدعی شکوفایی حدیث در عصر آن جناب است.

کلیدواژه‌ها: حدیث، حیات امام سجاد، زین العابدین، علی بن الحسین.

* Associate Professor of Tarbiat Modarres University

* دانشیار دانشگاه تربیت مدرس
naeeni_n@modares.ac.ir

مقدمه

امام علی بن الحسین در سال ۳۸ هجری در شهر مدینه متولد و در سال ۹۵ هجری در سن ۵۷ سالگی در همان شهر رحلت فرمود (کلینی، بی‌تا: ۴۶۶/۱). یعقوبی با کمی اختلاف تولد ایشان را در سال ۴۱ و وفاتشان را در سال ۹۹ هجری، در سن ۵۸ سالگی اعلام می‌کند (یعقوبی، ۱۴۱۳: ۲۲۸/۲). بنابراین آن حضرت حدود ۲۰ الی ۲۴ سال از عمر خود را در کنار پدر بزرگوارشان، سیدالشهداء سپری فرمودند و از محضر آن حضرت علوم و معارف و درس زندگی و شجاعت و استقامت در راه حق آموختند و علوم الهی و غیر آن را به ارث بردند. ایشان به اراده الهی در امر امامت جانشین پدر گردیدند و پس از شهادت آن امام نزدیک به ۳۵ سال مرجع مسلمانان شدند.

پس از رحلت رسول خدا، با حکم خلفا شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی به شکلی بود که کمتر کسی جرأت می‌کرد حدیث بگوید یا بنویسد. با خلافت معاویه وضع به گونه‌ای شد که امام حسن و امام حسین هم فرصت کافی برای احیاء احادیث جدشان نیافتند.

پس از واقعه کربلا حکومت بنی‌امیه گرفتار تشمت و درگیری‌های داخلی و پشیمانی شد؛ مردم به چند گروه تقسیم شدند و بسیاری مرتد گشتند. اما موقعیت به گونه‌ای نبود که امام سجاد بتوانند علناً مطالبی ابراز کنند؛ حکام یزید از ترس زبان بازماندگان آل رسول، آنها را به شدت تحت نظر داشتند و برخی را در شهرها پراکنده کردند.

می‌دانیم که حدیث، نقل قول، فعل و تقریر معصوم است؛ بنابراین فرمایشات، افعال و تقریرات امام که توسط اصحاب و خانواده آن حضرت نقل شده، حدیث است؛ لذا تلاش‌های حضرت برای رساندن

کلام خود به مردم در هر فرصتی، در جهت افشای حدیث و سخن بوده است. همه تلاش‌های امام در حالی بود که جامعه اسلامی با احادیث پیامبر فاصله گرفته بود.

تشویق‌های ایشان به فراگیری حدیث قبل از فرمان عمر بن عبدالعزیز به جمع حدیث بود (۱۰۲ - ۹۹ ق.). وی خطاب به ابوبکر حزم نوشت: «انظروا حدیث رسول الله فاکتوبوه فانی خفت دروس العلم و ذهاب اهله» (بغدادی: ۱۰۵، ابن‌سعد، بی‌تا: ۱۳۴/۲)

در حدیث رسول خدا نظر افکنید، سپس آن را بنویسید؛ زیرا من از نابودی علم و از بین رفتن علماء می‌ترسم. بدین ترتیب از وی خواست تا به این امر مهم همت گمارد. همچنان که از فرمان وی فهمیده می‌شود، مهم‌ترین انگیزه وی ترس از اندراس علم و از بین رفتن اهل آن بوده است؛ خلیفه در جای دیگر هشدار داده: «... فان السننه کانت قد امیت» (بغدادی، همان: ۱۵۳)

سنت در حال نابودی و از بین رفتن است. بنابراین آموزش‌ها، گفته‌ها، دعاها و تشکیل حلقه‌های درس و بیان احادیث رسول‌الله، به وسیله زین‌العابدین (ع) در آن شرایط جامعه - به گواه گفته عمر بن عبدالعزیز - سبب شکوفایی حدیث و علم شد.

مورخان اتفاق نظر دارند که امام از مشهورترین مردان باتقوا و زاهد و عابد زمان خویش بودند و بیش‌ترشان دعاهایی را ذکر کرده‌اند که خداوند با آن دعاهای حضرت را نجات داد. به سبب شرایط به وجود آمده و شهادت اصحاب خاص امام حسین، امکانی برای زمام‌داری امام علی بن‌الحسین نبود. از این رو، آن جناب در مدینه به زندگی ساده و معمولی ادامه دادند و کاری با دستگاه خلافت نداشتند، در حالی که بیش‌تر شیعیان در کوفه زندگی می‌کردند.

بدین‌سان ارزش‌های دینی از سوی حکام اموی دست‌خوش تحریف و تغییر، و احکام دین، بازیچه شد. روشن است که در چنین حکومتی تربیت دینی مردم تنزل یافته و ارتباط آنها با خداوند کاهش می‌یابد.

پس از بازگشت امام علی بن الحسین به مدینه، حکومت اموی از وجود بازمانده واقعه کربلا - تنها پسر حسین بن علی - آرامش خیال نداشت و پیوسته آن حضرت را تحت نظر داشت و نسبت به رفتار ایشان دچار سوء ظن شده بود. به همین دلیل آن بزرگوار روزگار خود را با تقیه سپری می‌کرد تا هم از کینه دشمنان در امان باشد و هم به شیعیان آموزش دهند که برای حفظ جان‌شان و جلوگیری از برانداختن شیعه باید از این روش پیروی کنند. با همه این شرایط، امام زین‌العابدین در هر فرصتی به ذکر احادیث رسول خدا و بیان حقایق و حقانیت پدر شهید خود و جایگاه اهل‌بیت می‌پرداختند و حتی در کوچه و بازار حقایق را بازگو می‌کردند، تا مردم را با آن آشنا سازند.

امام سجاده؛ وارث علم امامت

آنگاه که امام حسین به سوی عراق حرکت می‌کردند وصیت (خود) و کتب و دیگر میراث از رسول اکرم و سپرده‌های امامت را به ام‌سلمه، همسر پیامبر سپردند و به او فرمودند:

«هرگاه بزرگ‌ترین فرزندم نزد شما آمد، آن چه را که به تو سپردم به او واگذار کن.» پس از شهادت امام حسین، علی بن الحسین نزد ام‌سلمه رفت و سپرده‌های امام حسین را پس گرفت (کلینی، همان: ۳۰۴/۱؛ ابن‌شهر آشوب، بی تا: ۱۷۲/۴).

با آنکه دوران امامت امام سجاده با رکود فکری و فرهنگی جامعه مسلمانان مواجه بود و حکومت اموی به طور رسمی با علم سر جنگ داشت، آن بزرگوار متوجه این مسئله بودند که نشر یک علم واجب رسالتی و مسئولیت اسلامی است؛ از این رو بدان اهتمام ورزیدند (غروی نائینی: ۱۳۶).

در دوران امامت امام حسن و امام حسین، به سبب نیرنگ‌ها و تبلیغات معاویه علیه امیرالمؤمنین و اهل بیت رسول‌الله و جعل احادیث در مدح خلفا، همه چیز برای مردم وارونه جلوه داده شده بود (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۳: ۴۴/۱۱ - ۴۶).

فرصتی برای آموزش مسلمانان و بیان حقایق و ذکر احادیث صحیح نبود و اگر هم مجالی پیش می‌آمد، گوش شنوا بسیار کم بود. به دنبال سیاست سه خلیفه اول، نقل حدیث و ثبت آن با ممانعت روبرو بود (سیوطی، ۱۴۱۷: ۱/ ۶-۷) لذا نقل حدیث و ضبط آن در میان علمای حدیث با کراهت انجام می‌شد و مردم مدینه و سرزمین‌های اسلامی از احادیث درست پیامبر، فاصله گرفتند.

در آن زمان، نظرات و اندیشه‌های معنوی غلات و تصورات صوفیان درباره امامان معصوم، با وجود طبیعت معنوی‌گرایانه‌شان و تمایلات سیاسی برخی از آن‌ها، سبب شد فکر دوری امام از سیاست و در هاله تقدس نگه داشتن ایشان در جامعه توسعه یابد و مسلمانان و حتی شیعیان چنین بیندیشند که آنان هویتی غیر سیاسی دارند؛ از این رو پذیرفتند که امام را با سیاست و مملکت‌داری کاری نیست و به راحتی جانشینان به حق رسول خدا را از زمامداری مسلمانان دور ساختند و خلفا هم از این افکار و افزایش فرقه‌ها به نفع زمامداری خویش بهره‌برداری می‌کردند.

قدرت‌طلبانه فراوان آن عصر، رنگ سیاسی به خود گرفته و قداست خود را از دست داده بودند.

بدیهی است مردم در چنین شرایط ناامنی، به سبب عدم آرامش و ثبات، خواهان علم‌اندوزی نبودند و آرامش فکری نداشتند تا بتوانند در کلاس درس حاضر شوند؛ لذا امام روش خاصی برای انتقال احادیث رسول‌الله - علم - جهت تربیت مسلمانان و بازگرداندن ایمان جامعه اسلامی در مدینه‌الرسول در پیش گرفتند و به وسیله آن موفق به تربیت انسان‌ها شدند.

امام سجاد (ع) تا حد امکان مسجد جدش، رسول‌الله (ص) و منزل خویش را مدرسه و مکان تدریس قرار دادند. بحث‌ها و سخنانشان را بر علما و فقها القا می‌کردند و علم فقه، تفسیر، فلسفه، کلام، قواعد سلوک و اخلاق - که در آن زمان همه زیر مجموعه حدیث محسوب می‌شد را آموزش می‌دادند.

مورخان نوشته‌اند که در هر جمعه آن حضرت برای مردم خطابه‌ای ایراد می‌نمود؛ آنها را موعظه می‌فرمود و نسبت به دنیا پند می‌داد و بر دوری و زهد از آن تأکید می‌کرد؛ و آنها را به فکر آخرت ترغیب می‌نمود. مردم کلام آن حضرت را حفظ می‌کردند و می‌نوشتند (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۱۴۶/۳۶؛ ابن‌جوزی، ۱۴۰۹: ۵۵/۲) و بدین ترتیب طبق تعریف حدیث (کلام معصوم) همه این موارد، گسترش حدیث در جامعه بود.

آن حضرت برای تشویق و برانگیختن حلقه‌های درسی، در کنار همه شاگردان می‌نشستند؛ چنانکه روزی در حلقه درسی کنار زید بن اسلم نشستند. نافع بن جبیر بر آن حضرت خرده گرفت که شما سید و آقای مردم هستید، چرا در کنار بنده‌ای می‌نشینید؟

بدین ترتیب امام علی‌بن‌الحسین، علم را از پدر و جد خود به ارث برد و میراث امامت را از ام‌سلمه تحویل گرفت و حامل سفارش‌های سیدالشهداء شد. کلینی با سند خود از ابوالجارود^۱ از امام ابوجعفر الباقر نقل می‌کند که فرمود:

«ان الحسین بن علی لما حضره الذی حضره دعا ابنته الکبری فاطمه بنت الحسین فدفع الیها کتاباً ملفوفاً و وصیته ظاهرته و کان علی بن الحسین مبیطوناً معهم لا یرون الا انه لما به. فدفعت الكتاب الی علی بن الحسین.»

سپس امام باقر می‌فرمایند:

«تم صار و الله ذلك الكتاب الینا یا زیاد.»

او می‌پرسد: فدایت شوم در آن کتاب چیست؟
حضرت فرمود:

«فیه والله ما یتحتاج الیه ولد آدم منذ خلق الله آدم الیان تفتی الدنیا و الله ان فیه الحدود حتی ان فیه آرش الخدش» (کلینی، همان: ۳۰۳/۱؛ فروخ صفار، ۱۴۲۵: ۱۶/۱۶۶)

حیات علمی امام سجاد

پس از واقعه کربلا امام سجاد در مدینه به سر می‌بردند، در حالی که پیروان و طرفداران ایشان در عراق ساکن بودند. امام زین‌العابدین (ع) با تعالیم خویش موفق به تربیت شیعیان و افزایش آنها در مدینه شد؛ آن حضرت از طریق دعا بخشی از عقاید خود را بیان، و بدین وسیله توجه مردم را به بندگی الهی و عبادت جلب می‌کردند.

عصر امام زین‌العابدین (ع) دوران پرحادثه‌ای بود و مردم به سبب شورش‌ها و درگیری‌های

۱. زیاد بن منذر، صحابی امام باقر که بعداً انحراف یافت و فرقه جارودیه به او منسوب است. (طوسی، ۱۴۱۵: ۱۲۰)

«طالب العلم اذا خرج من منزله لم يضع رجلاً علی رطب و لا یابس من الارض سبحت له الی الارضین السابعة» (شریف قرشی، ۱۴۰۸: ۲/۲۶۱)

جوینده علم هنگامی که از خانه‌اش خارج می‌شود، پا بر هیچ تر و خشکی نمی‌گذارد؛ مگر این که زمین‌های هفتگانه او را تسبیح می‌کنند.

آن حضرت نشر علم را به‌عنوان عملی رایگان توصیه می‌کردند و گرفتن مزد برای آموزش را جایز نمی‌دانستند. چنانکه فرمودند:

«من کتم علماً او اخذ علیه اجراً رفداً فلا ینفعه ابداً» (ابن دکین، ۱۴۰۵: ۳/۱۴۰)

هر کسی علمی را پنهان کند یا برای بیان آن دست‌مزد بگیرد، هرگز سودی برایش ندارد.

علمای حدیث اهمیت خاصی برای روایات امام سجاد قائل هستند؛ به‌ویژه روایاتی که زهری، محدث اهل تسنن از آن حضرت روایت کرده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲: ۴/۱۹۲) ابوبکر بن ابی شیبه می‌گوید: صحیح‌ترین روایات مستند زهری از علی بن الحسین از پدرش حضرت علی است (خلاصه التهذیب الکمال: ۳؛ شریف قرشی، همان: ۲/۶).

آن حضرت مجموعه بزرگی از احادیث جدش رسول خدا و امیرالمؤمنین و پدرش امام حسین نقل کرده است. (شریف قرشی، همان: ۲/۶) نص دیگری که از آن حضرت موجود است، سفارش به امامت فرزند مبارکش محمد بن علی الباقر است. زهری آن را چنین نقل کرده که درباره وصی پس از آن حضرت، سؤال شد؛ امام سجاد حضرت باقر را معرفی کردند. زهری پرسید آیا بزرگ‌ترین فرزندان

امام پاسخ دادند: «إن العلم ینتعی و یؤتی و یطلب من حیث کان»: علم را از هر که و هر جایی شد، بگیر و بخواه. روش آموزش فقه آن حضرت، نقل احادیث پیامبر بود. شیعیان تنها آن احادیث را درست تلقی می‌کردند و باین که در آن زمان فقهای بسیاری در مدینه ساکن بودند، به احکام بیان‌شده توسط آن جناب اعتماد داشتند.

بدین صورت شیعه اولین قدم‌های فقهی خود را در مخالفت با انحرافات موجود برداشت، اگرچه بخش اعظم این کار به زمانی پس از آن موکول گردید. امام سجاد جمله «حی علی خیر العمل» را که به فرمان خلیفه دوم از اذان حذف شده بود، پس از سال‌ها ذکر می‌فرمود و وقتی مورد اعتراض قرار گرفت، فرمود: «هو الاذان الاول»: این اولین اذان است. (جعفریان، ۱۳۸۳: ۲۶۹، به نقل از المصنف، ابن ابی شیبه: طبع هند، ۲۱۵/۱). بدین ترتیب ایشان علیه انحرافات در جامعه عکس‌العمل نشان می‌دادند تا مانع گسترش آن و باعث هدایت مردم باشند.

امام زین‌العابدین با صدای بلند درباره فضایل علم سخن می‌گفتند و مشوق علم و فراگیری آن بودند و فرمودند: «لو لیعلم الناس ما فی طلب لطلبوه و لو بسفک المهج و خوض اللجج» (کلینی، همان: ۱/۳۵؛ مولی محسن کاشانی، ۱۳۸۳: ۱/۲۶) اگر مردم می‌دانستند که در راه طلب علم چه به‌دست می‌آورند، حتماً به دنبال آن می‌رفتند؛ اگرچه با خون دل خوردن و یا با فرو رفتن در تاریکی‌ها باشد.

امام سجاد (ع) طلاب علوم را تکریم می‌فرمودند و آداب متعلمان را به آنها می‌آموختند، حقوق معلم را گوشزد و تکرار می‌کردند و ثواب تعلم را متذکر می‌شدند. مثلاً می‌فرمودند:

۱. در جمهرة الاولیاء: ۷۳/۲، بدین صورت آمده است: «من کتم علماً او اخذ فسراً فلا منفعه یعلمه ابداً»

وصی شما نیست؟ حضرت فرمودند: امامت به بزرگی و کوچکی نیست، این عهد پیامبر است. بر ما و آن در لوح و صحیفه آمده است که دوازده اسم مکتوب در لوح ائمه هستند. (شریف قرشی، همان: ۴۲۱/۲، به نقل از کفایة الاثر، خزاز و اثبات الهداة: ۲۶۴/۵)

علما و دانشمندان اسلامی در طول تاریخ مقام و جایگاه علمی و عبادی امام علی بن الحسین را ستوده‌اند؛ ابن عتیبه از زهری نقل می‌کند که گفت:

«ما رأیت قرشیاً افضل من علی بن الحسین ما رأیت احداً کان افقه منه» (ابن حجر عسقلانی، همان: ۱۹۳/۴) شافعی در بحث حجیت خبر واحد نوشته است:

«وجدت علی بن الحسین یعول علی خبر الواحد» (ابن ابی‌الحدید، همان: ۲۲۲/۱۵)

علی بن الحسین را دیدم که به خبر واحد اعتماد می‌کرد. ابن سعد^۱ درباره آن حضرت گفته است: «کان علی بن الحسین ثقة ماموناً کثیر الحدیث عالیاً رفیعاً ورعاً» (همان: ۲۲۲/۵)

ابن حبان درباره آن حضرت گفته است: «در میان بنی‌هاشم و فقهای مدینه از همه فاضل‌تر و عابدتر بود.»

در آن زمان علی بن الحسین را سیدالعابدین می‌گفتند. (۱۳۹۳: ۱۶۰/۵)

ابن‌عماد حنبلی درباره آن حضرت می‌نویسد:

«به سبب کثرت عبادت او را زین‌العابدین می‌نامیدند. در یک شبانه‌روز هزار رکعت نماز می‌گزارد تا رحلت فرمود. او از قول زهری نقل

۱. ابو‌عبدالله، محمد بن سعد بن منبع، کاتب واقدی معروف به ابن سعد (۱۶۸-۲۳۰ ق) مورخ و عالم اهل سنت صاحب کتاب الطبقات الکبری در بصره متولد شد و در بغداد رحلت کرد در بغداد به شاگردی و مصاحبت واقدی پرداخت و به نام او معروف شد.

می‌کند که گفت: هیچ فردی را فقیه‌تر از زین‌العابدین ندیدم، اما کم گفتار بود.» (بی‌تا: ۱۰۵/۱)

ذهبی درباره امام علی بن الحسین می‌نویسد: «فردی مورد اعتماد، مؤمن، با کثرت حدیث، عالی‌مقام، رفیع‌الدرجه و باورع بود. از پدرش حسین شهید نقل حدیث کرده و در کربلا همراه او بود.» (۳۸۶/۴: ۱۴۱۰)

شیخ محمد ابوزهره می‌گوید: «آن حضرت به علم و تدریس و فحص در علم روی آوردند، زیرا آن را غذای قلبشان و آرامش بخش نفسشان یافتند؛ لذا خواستار گفتن حدیث شدند و به آن مشغول بودند.» (شریف قرشی، همان: ۲۶۰/۲)

آن جناب چنان به نشر علم در میان مسلمانان مشغول شدند، که به کار دیگری نپرداختند (همان، به نقل از: حلیة الاولیاء: ۱۳۵/۳) و همه هم آن جناب صرف تهذیب طبیعت مسلمانان و آموزش دادن آداب شریعت اسلامی بود؛ تا پس از آن حضرت، حاملان مشعل‌های فروزان باشد.

امام با این تلاش‌ها در شرایط سخت و خفقان حاکم بر مدینه، موفق به تربیت شاگردان زیادی شدند؛ به‌گونه‌ای که حدود ۲۰۰ تن به اصحاب و راویان آن بزرگوار معروف شدند (همان: ۱۲۰/۲-۱۰۹).

برخی از ایشان عبارت‌اند از: ابان ابن تغلب، ابو حمزه ثمالی، رشید هجری، زید ابن علی، سدیر بن حکیم، سعد ابن جبیر، سعد ابن مسیب، طاووس ابن کیسان، ابو خالد کابلی، محمد ابن جبیر بن مطعم، محمد بن شهاب زهری، یحیی بن ام‌الطویل، معروف بن خربوذ، ربیعہ بن ابی‌عبدالرحمن معروف به ربیعہ الرای، جابر بن عبدالله انصاری، حکم بن عتبه، سلمه بن دینار و قاسم

علامه سید شرف‌الدین عاملی می‌گوید: «از با فضیلت‌ترین چیزهای که در آن - قرن اول - تألیف شد، مصباح آل محمد و زیور اهل بیت، صحیفه کامله امام زین‌العابدین بود که امام صادق آن را برمی‌داشت و بر چشمانش قرار می‌داد و می‌فرمود: این خط پدرم و املائی جدم است که در حضور من نوشت.

نسخه دیگری به خط زید بوده که این نسخه در دست فرزندش یحیی بود و هنگامی که یحیی پس از شهادت پدرش به سوی خراسان می‌رفت، با متوکل بن هارون ملاقات کرد و این صحیفه را به او داد. امام صادق فرمود: به خدا این خط عمویم زید و دعای جدم علی بن الحسین است.

این دو نسخه با هم مقابله و معلوم شد که مانند هم هستند و حرفی از یک نسخه مخالف نسخه دیگر نبود. اهل بیت این مجموعه را حتی از شیعیانشان مخفی می‌کردند تا مبادا به دست مخالفانشان بیفتد و آن را به شخص دیگری نسبت دهند.» (مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۳: ۳۵/۱ به نقل از مؤلف و الشیعه فی صدر الاسلام: ۳۰)

سید محسن امین درباره صحیفه گفته است: «بلاغت و فصاحت الفاظ آنکه همتایی ندارد و بالا بودن مضامین و معانی آن و آن چه در آن است، انواع ذلت در برابر خداوند متعال و حمد و ثنای او و شیوه‌های عجیبی که در درخواست از عفو و کرم خدا و توسل به او دارد، قوی‌ترین شاهد بر صحت نسبت این صحیفه، این مروارید از آن بحر و این جواهر از آن معدن و این میوه از آن درخت فصاحت و بلاغت، به امام است، علاوه بر این که، شهرت آن شک‌پذیر نیست و اسناد متصل به اصلش، امام - صلوات الله علیه و علی آبائه و ابنائه الطاهرین - متعدد است (امین، ۱۴۰۳: ۶۳۸/۱).

بن محمد بن ابی‌بکر (طوسی، ۱۴۱۵: ۱۰۲-۸۱).

شیخ مفید نیز برخی از این اصحاب را نام برده است (ابن‌نعمان، بی تا: ۸).

ذهبی راویان آن حضرت را چنین نام برده است: فرزندان (ابوجعفر محمد، عمر و زید مقتول و عبدالله)، زهری، عمرو بن دینار، حکم بن عنبیه، زید بن اسلم و بسیاری دیگر (ذهبی، همان: ۳۸۷/۴).

مجموعه آثار حدیثی امام سجاد

حاصل آموزش‌ها، بیانات و ایرادات آن جناب، احادیث صادر شده از دهان مبارک امام علی بن الحسین بود که در مجموعه‌هایی جمع‌آوری و وسیله مهمی برای خودسازی و بیداری جامعه اسلامی گردید.

۱- صحیفه السجادیة

به سبب شرایط حاکم بر مدینه الرسول و فشار قوای حاکم بر بازماندگان واقعه کربلا که حتی نمی‌گذاشتند امام سجاد بر منبر جدش رسول‌الله بنشیند و درس و حدیث و سخنی بگوید، علی بن الحسین کلمات خویش را در قالب ادعیه ابراز می‌نمود. صحیفه سجادیه که به «زیور آل محمد» و «انجیل اهل بیت» معروف شد و سند روایت آن به امام ابوجعفر باقر و زید شهید، فرزندان آن حضرت، می‌رسد، مجموعه‌ای از این دعاهاست.

سند این مجموعه گرانبها چنین است: در سال ۵۱۶ هـ.، ابوعبدالله محمد بن احمد بن شهریار، خزانه‌دار آستان امام علی با سماع و قرائت از محمد بن محمد عکبری و او از ابوالفضل محمد بن عبدالله بن مطلب شیبانی و او از متوکل بن هارون (اولین راوی) تا یحیی بن زید و از امام صادق روایت شده و سند متصل است (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۰: ۳۰).

کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۵۶۴؛ نجاشی، بی‌تا: ۱۱۶).
ابن شعبه حرانی هم در *تحف العقول* آن را نقل کرده
است (سید محسن امین، همان: ۶۳۸/۱).

این رساله از مهم‌ترین تألیفات دنیای اسلام است
که در آن امام حکیم، دیدی عمیق و همه‌شمول نسبت
به انسان دارد و تمام ابعاد حیاتی انسان و ارتباطات
با خالق و نفس خود و خانواده‌اش، اجتماعش،
حکومتش، معلمش و دیگران را در آن آموزش داده
است.

آن حضرت حقوق وضع شده و واجب برای
انسان را در این رساله ذکر کرده و انسان را مسئول
رعایت و صیانت از این حقوق می‌داند، تا اجتماع
اسلامی به عدالت اجتماعی و روابط مورد اطمینان و
پایدار میان افرادش برسد. هیچ یک از علمای اسلامی
در نوشتن این حقوق بر امام سجاد پیشی نداشته‌اند؛
آن حضرت این رساله ارزشمند را نوشتند و آن را
مختص برخی از اصحاب گرداندند و از آن میان،
ابوحزمه ثمالی عالم بزرگ و موثق اسلامی شاگرد آن
حضرت این مجموعه را از آن بزرگوار روایت کرد.
امام پیش از راهنمایی و بیان این حقوق مقدمه‌ای بر
آن عرضه نموده، می‌فرماید:

«واعلم رحمک الله ان الله علیک حقوقاً محیطه بک
فی کل حرکتها او سکنته او منزلته نزلتها او
جارحته قلبتها و آلتها تصرفت بها و اکبر حقوق الله
علیک ما اوجبه علیک لنفسک من قرنک الی قدمک
علی اختلاف جوارحک.» (ابن بابویه، همان: ۵۶۵/۲)

بدان که خدای عزّ و جلّ را بر تو حقوقی است که در
هر جنبشی که از تو سر می‌زند و هر آرامشی که
داشته باشی و یا در هر حالی که باشی یا در هر منزلی
که فرود آیی یا هر عضوی را که بگردانی یا در هر

سند این صحیفه قطعی بوده و جدال‌پذیر نیست و
در آن شکی نداریم. از نظر تواتر به حد یقین رسیده
علاوه بر آنکه بلاغت بالای آن حاکی از این است که
جز از امام عظیم الشان از شخص دیگری
نیست (شریف قرشی، همان: ۱۱۷/۲).

این کتاب عظیم افق‌های جدیدی در برابر دیدگاه
دینداران باز کرده، به گونه‌ای که مسلمانان پیش از آن
چیزی هم‌پای آن سراغ نداشته‌اند.^۱

۲- رساله الحقوق

اُتمه هدی نسخه یگانه‌ای از اخلاق علم، ایمان، صبر
و استقامت و حامل اسلام، عقیده شریعت و راه و
روش نیکو و اخلاق حسنه بوده‌اند، که در عمل آنها
را پیاده کردند. امام زین‌العابدین شاخه‌ای از درخت
شجره نبوت، درس‌های اخلاق و راه و روش زندگی
را به انسان‌های هم‌عصر خود و همه انسان‌های
نسل‌های پس از خود با بیانات و نصایح و پندهای
خویش آموزش داد؛ در حالیکه از مشکلات و
بدبختی‌های انسان‌ها آگاه بود. مباحث حقوق در
غالب احادیث آن بزرگوار در جامعه تاریک آن روز
بسیار درخشید و منبع علمی تابناکی در همه عصرها
شد.

آن حضرت صحیفه عظیم و عمیق حقوق درباره
آداب دین و دنیا و حقوق فردی و اجتماعی انسان را
خطاب به اصحابش نوشت که اصحاب امام و یاران
خاص آن حضرت، این صحیفه را برنامه عملی پایدار
خویش ساخته بودند؛ ابوحزمه ثمالی (ثابت بن دینار)
آن را نقل کرده و کبار محدثان شیعه مانند صدوق و
کلینی، سند آن را متصل دانسته و آن را نقل

۱. برای اطلاع بیشتر درباره صحیفه تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۴۵/۱۳-

اصحاب آن حضرت مقداری از آنها را گرد آوردند (نجاشی، همان: ۱۱۳؛ شریف قرشی، همان: ۲۰۱/۲). آقای قرشی از مناجات خمس عشره، به عنوان یک تألیف جداگانه یاد کرده است.

۷- خطبه‌های امام سجاد

چنانکه گفته شد، حدیث، کلام، یا نقل کلام معصوم است؛ خطبه‌های امام سجاد در کوفه و شام و مسجد جدش رسول الله است که اثری عظیم بر حاضران آن مکان‌ها داشت و پس از آن نیز به نسل‌های بعدی شیعیان منتقل شد و تأثیرگذار بوده است.

بخشی از خطبه حضرت در دربار یزید چنین است: «من عرفنی فقد عرفنی و من لم یعرفنی انبأته بحسبی و نسبی ایها الناس انا ابن مکه و منی انا ابن زمزم و الصفا انا ابن من حمل الرکن باطراف الرد...» (همان: ۲۴)

امام زین العابدین (ع) پس از مراجعت از کربلا و اسارت، در خطبه‌ای پس از حمد رب العالمین، خلاصه‌ای از واقعه کربلا را برای اهل مدینه - ایراد نمود (همان: ۲۶).

۸- ادعیه امام

بر اساس تعریف حدیث دعا‌های امام زین العابدین (ع) که توسط اصحاب آن حضرت نقل شده نیز مجموعه حدیثی دیگری است که در شکوفایی حدیث و آموزش و هدایت جامعه اسلامی بسیار نقش داشته است.

ابوحزمه ثمالی روایت کرده که حضرت امام زین العابدین در ماه رمضان بیش‌تر شب را نماز می‌گزارد و سحرگاهان دعایی را می‌خواند (طوسی، ۱۴۱۱: ۵۹۲).

ابزاری تصرف کنی آن حقوق اطراف تو را فراگرفته است بزرگ‌ترین حق خداوند بر تو این است که برای تو نسبت به اعضای خودت واجب کرده از سر تا پایت و همه اعضایت...

این رساله شامل پنجاه حق است (ابن بابویه، همان: ۵۶۲/۲-۵۷۰؛ شریف قرشی، همان: ۲۱۹/۲ - ۲۵۳؛ سید محسن امین، همان: ۶۳۸/۱ - ۶۴۰؛ قبانچی، ۱۳۶۴: ۲۳-۱۷۴) که در اینجا به نکته‌ای از آن اکتفا کردیم.

۳- مناسک حج

رساله‌ای شامل همه مسائل حج درسی باب که امام باقر و زید شهید و حسین اصغر (فرزندان آن حضرت) نقل کرده‌اند (تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۶۲/۲۲).

۴- الجامع فی الفقه

مجموعه‌ای است که ابوحزمه ثمالی از امام سجاد نقل کرده و شامل همه مسائل فقهی است (نجاشی، همان: ۱۱۶؛ صدر، ۱۳۲۸: ۳۰۰).

۵- صحیفه فی الزهد

ابوحزمه ثمالی می‌گوید: «که صحیفه‌ای درباره زهد از کلام علی بن الحسین خواندم، نزد آن حضرت آمدم بر ایشان عرضه کردم، آن را شناخت و تصحیح فرمود.» (کلینی، همان: ۱۷/۸-۱۴)

۶- کتاب حدیث

مجموعه موعظه‌ها و کلام حکمت‌آموز که امام سجاد حتی در ضمن عبور در راه و کوچه و بازار هم برای نصیحت و هدایت مردم ایراد می‌فرمود؛ و نیز مجموعه احادیث آن حضرت را تشکیل می‌دهد که

منابع

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله. (۱۳۸۳ ق). شرح نهج البلاغة. بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
- مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه. (۱۴۱۳ ق). المعجم المفهرس لالفاظ احادیث البحار. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۰۳ ق). خصال. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جماعه المدرسین.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی و دیگران. (۱۴۰۹ ق). صفوة الصفوة. بی‌جا: دار الکتب العلمیه.
- ابن حبان، ابوحاتم محمد. (۱۳۹۳ ق). الثقات. حیدرآباد هند: دائرة المعارف العثمانیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۴۱۲ ق). تهذیب التهذیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن‌دکین، احمد بن عبدالله اصفهانی. (۱۴۰۵ ق). حلیة الاولیاء. بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن سعد، محمد کاتب واقدی. (بی‌تا). الطبقات الکبری. بیروت: دار صادر.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی. (بی‌تا). مناقب آل ابی‌طالب. قم: علامه.
- ابن‌عساکر، علی بن حسن بن هبة‌الله شافعی. (۱۴۱۵ ق/۱۹۹۵ م). تاریخ مدینه دمشق. بیروت: دارالفکر.
- ابن‌عماد حنبلی، عبدالحی. (بی‌تا). شذرات الذهب. بیروت: دار احیاء التراث العربی/ دار الکتب العلمیه.
- ابن‌نعمان، محمد. (بی‌تا). اختصاص شیخ مفید. تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری. قم: جماعه المدرسین.

این دعا، دعای بلندی است با مضامین عالی و آموزش معرفت و شناخت حق تعالی؛ از جمله:

۱- درهای امید و آرزو به رحمت حق تعالی را به سوی انسان می‌گشاید، چنانکه می‌فرماید: «الهی و عزتک و جلالک لئن طالبتینی بذنوبی طالبتک بعفوک...» (همان: ۵۹۶). پروردگار من به عزت و جلال تو سوگند اگر مرا به سبب گناهانم گرفتار کنی، تو را با بخشش طلب می‌کنم.

۲- مناظره‌های بدیعی با خداوند متعال را برای ما می‌گشاید:

«الهی ان كنت لا تغفر الا لاولیائک و اهل طاعتک فالی من فرغ المذنبون؟» (همان)

بارالها اگر بخشش را صرفاً شامل حال دوست‌داران و اطاعت‌کنندگان کنی، پس گنهکاران به که رو آورند؟

بحث و نتیجه‌گیری

امام زین‌العابدین در دوران امامت خود در جامعه اسلامی سه هدف را دنبال کردند و موفق به تربیت شاگردان و اصحاب برجسته شدند. از این راه حدیث رسول خدا و جانشینان بر حق آن حضرت، یعنی امام علی، امام حسن و امام حسین (ع) پس از چندین سال رکود، به شکوفایی رسید.

این سه هدف عبارت‌اند از:

۱. سوق دادن جامعه به سوی اهداف عالی.
۲. آموزش معنویت و عرفان و ایجاد ارتباط خالص میان بنده با خداوند.
۳. تربیت نیروهای مؤمن برای نشر اسلام و معارف آن.

- امین، سید محسن. (۱۴۰۳). *اعیان شیعة*. تحقیق حسن امین. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- تهرانی، شیخ آقا بزرگ. (۱۴۰۳ ق). *الذریعة الی تصانیف الشیعة*. بیروت: دارالاضواء.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۳ش). *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*. قم: انصاریان.
- ذهبی، شمس الدین محمد. (۱۴۱۰ق). *سیر اعلام النبلاء*. تحقیق و تعلیق الارنواط. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۴۱۷ق). *تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی*. مکه: مکتبة نزار مصطفی الباز.
- شریف قرشی، باقر. (۱۴۰۸ ق). *حياة الامام زين العابدين*. بیروت: دارالاضواء.
- صحيفة سجادية. (۱۳۸۰). ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: سروش.
- صدر، سید حسن. (۱۳۲۸ش). *تأسيس الشیعه للعلوم الاسلامی*. تهران: اعلمی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ ق). *مصباح المتجهد*. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۵ ق). *رجال طوسی*. تحقیق جواد قیومی اصفهانی. قم: انتشارات اسلامی.
- فروخ صفار، محمد بن حسن. (۱۴۲۵ق). *بصائر الدرجات (فضائل اهل بیت)*. بیروت: مؤسسة النعمان للطباعة و النشر و التوزیع.
- قباچی، علی. (۱۳۶۴). *شرح رسالة الحقوق امام علی بن الحسین زين العابدين*. قم: اسماعیلیان.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (بی تا). *کافی*. تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. بیروت: دارالتعارف / تهران: اسلامیة.
- مولی محسن کاشانی، محمد بن مرتضی. (۱۳۸۳ش). *المحجته البيضاء فی تهذیب الاحیاء*. تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نجاشی، احمد بن علی. (بی تا). *رجال النجاشی* (فهرست اسماء مصنفی الشیعه). قم: مکتبة الداوری.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۴۱۳ق). *تاریخ الیعقوبی*. تحقیق عبدالامیر مهنا. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.